

تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۰

## نقد و بررسی دیدگاه‌های اهل سنت در شبیه‌سازی انسانی

دکتر سید محمدرضا آیتی \*

محمدباقر عامری نیا \*

### چکیده:

شبیه‌سازی، به ویژه از نوع انسانی آن یکی از شگفت‌انگیزترین فناوری‌های علم ژنتیک محسوب می‌شود. تولد انسان، خارج از مجرای طبیعی امری است در حال تحقق، که بی‌شک زندگی بشر مدرن را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. واکنش‌های مختلفی نسبت به مسئله شبیه‌سازی انسانی، نشان داده شده است. در این میان اکثر مفتیان و عالمان اهل سنت با مبانی فقهی و به درجات مختلف به مخالفت پرداخته، و در این راه به دلایل متعددی نیز تمسک جسته‌اند. اینان شبیه‌سازی را ۱- دست بردن در خلقت ۲- انجام عمل شیطانی ۳- امر ضرری ۴- مخالف با شیوه انحصاری تولید مثل ۵- ناقض کرامت انسانی ۶- مخالف مقاصد کلی شارع من جمله حفظ نسل ۷- خلاف فطرت ۸- منجر به فساد در زمین و ... اموری از این قبیل دانسته، سپس آن را تحریم نموده‌اند. این مقاله بر آن است تا اهم ادله عالمان سنتی را تبیین و مورد نقد قرار دهد. فقهاء شیعه اغلب قائل به حریمت مطلق فناوری شبیه‌سازی هستند. مستند آنان عدم دلیل بر حرمت است و می‌گویند هیچ یک از ادله اهل سنت توان تحریم شبیه‌سازی انسانی را ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** شبیه‌سازی انسان، فقه اهل سنت، سدذرایع، ضرر، فساد، تغییر خلقت.

\* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

[smraayati@yahoo.com](mailto:smraayati@yahoo.com)

\* دانش‌آموخته دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و عضو هیأت علمی واحد یاسوج

## ۱- تعریف شبیه سازی

تولید مثل متعارف در نزد بشر به شکل جنسی صورت می‌گیرد. در این شیوه، اسپرم مرد و تخمک زن در رحم، زیگوت یا سلول تخم را تشکیل می‌دهند و سپس مراحل رشد جنینی آغاز می‌شود، اما در شبیه‌سازی ترکیبی از اسپرم مرد و تخمک زن که منجر به ایجاد سلول جنسی «گامت» می‌گردد وجود ندارد، بلکه سلولی جسمی از برخی اندام‌های انسان «مذکر یا مونث» دریافت و در تخمک تخلیه شده یک زن قرار داده می‌شود و طی مراحل دقیقی به رحم منتقل می‌شوند. از اینجا به بعد زیگوت ایجاد شده و مراحل رشد خود را آغاز می‌کند، پس تولید زیگوت بدون اسپرم مرد، اولین مرحله شبیه‌سازی انسان است. «شبیه‌سازی در حقیقت روند به وجود آمدن یک موجود زنده جدید از یک موجود زنده دیگر به طریق غیر جنسی است. این روش به طور طبیعی در بسیاری از موجودات ساده مثل باکتری‌ها و قارچ‌ها و بعضی از آغازیان و حتی گیاهان و برخی از جانوران مثل نرم‌تنان و کیسه‌تنان اتفاق می‌افتد و موجود جدید تمام ماده ژنتیک خود را از یک فرد می‌گیرد» (حسینی پژوه، ۱۳۸۴، ۳).

به بیان ساده‌تر «شبیه‌سازی انسان فرآیندی غیر جنسی است که طبق آن هسته سلول غیر جنسی بطور مستقیم در درون تخمک تخلیه شده زن تزریق می‌شود و اسپرم در آن دخالتی نداشته، زیگوت را به وجود می‌آورد. زیگوت در رحم تبدیل به یک موجود زنده می‌شود» (دکاش، ۱۹۹۹، ۱۲۳).

امروزه بسیاری از حیوانات در اکناف جهان شبیه‌سازی می‌شوند و چون انسان در زمره پستانداران قرار دارد، دانشمندان سعی دارند تا از این طریق، انسان را نیز شبیه‌سازی نمایند.

## ۲- اقسام شبیه سازی

می‌توان شبیه‌سازی انسانی را به سه نوع تقسیم کرد:

۱-۲- **رویانی:** که در آن یک سلول را قبل از رسیدن به مرحله جنینی، با ایجاد تحریکات خاصی به دو سلول تقسیم می‌کنند که هر دو سلول از لحاظ نقشه ژنتیکی به طور کامل مثل هم هستند. دوقلوهای همسان، نمونه شبیه‌سازی رویانی‌اند (الجنیدی، ۱۹۹۹، ۴۷).



۲-۲- **درمانی:** در این روش از شبیه‌سازی، سلول‌های بنیادی را شبیه‌سازی کرده، تا در درمان امراض لاعلاج و در تهیه بافت‌های مناسب پیوند به کار گیرند؛ زیرا میزان دفع در عملیات پیوند، در چنین حالتی به حداقل ممکن می‌رسد (همان، ص ۴۸).

۲-۳- **تولیدی:** از این نوع شبیه‌سازی برای تولید حیوان و یا انسان به همان نحوی که در تعاریف اشاره شد، استفاده می‌شود (همان، ص ۴۹).

### ۳- سؤال اصلی

سؤال اصلی این است که آیا نفس شبیه‌سازی انسانی یا تولیدی، مجاز است؟ و چرا عالمان سنی به تحریم آن پرداخته‌اند؟ این مقاله دلایل اهل سنت را برشمرده و آنها را که مرتبط با فقه هستند، مورد بحث قرار می‌دهد.

### ۴- فرضیه تحقیق

نگارنده بر این تصور است که علت تحریم شبیه‌سازی انسانی نزد مفتیان اهل سنت، هم به مبانی اصول فقهی آنان باز می‌گردد و هم به نوع تلقی ظاهرگرایانه آنان از آیات مرتبط با موضوع. در پاره‌ای از موارد سوءظن‌ها و اهتمام بیش از حد به مضرات احتمالی سبب شده تا مفتی پیشاپیش حکم به حرمت صادر نماید.

### ۵- مواجهه اهل سنت با شبیه‌سازی انسانی

مجمع فقه اسلامی طی ۲۳ تا ۲۸ صفر ۱۴۱۸ هـ در عربستان سعودی شبیه‌سازی را از دیدگاه عالمان سنی حرام اعلام کرد (قرار مجمع الفقه الاسلامی، ۱۹۹۹، ۳۱۵). برخی از عالمان سنی حتی مجازات مبتکران شبیه‌سازی انسانی را بریدن دست و پای آنها دانستند، زیرا این کار بزرگترین فساد در زمین است و در دراز مدت انسان را به چهارپا تبدیل می‌کند (هفته نامه المسلمون، ۲۷). بن باز مفتی عربستان گفت: «مسلمانان باید هر چه را که از شارع رسیده و هر چه

را که با کتاب و سنت موفق است بپذیرند؛ اما استنساخ از اساس باطل است و بکار گیرش جایز نیست» (عوده الله، بی تا، ۱۶۴).

اهل سنت در همان ابتدا شبیه سازی را مخالف ضروری دین و مقاصد شارع دانستند (الخدای، بی تا، ۹۹).

## ۶- ادله اهل سنت در تحریم شبیه سازی انسانی

مفتیان و دانشمندان اهل سنت، مسئله شبیه سازی انسان را از زوایای متعددی بررسی کرده و اغلب قابل توجه آنان، این فناوری را حرام دانسته اند. از این دیدگاه ها، می توان به بحران های اجتماعی و چالش های اخلاقی نیز اشاره کرد، اما از دیدگاه فقهی، عمده دلایل اهل سنت در موارد زیر خلاصه می شود.

### ۶-۱- حرمت شبیه سازی به دلیل دخالت در امر خلقت

بسیاری از اهل سنت شبیه سازی را به علت دخالت انسان در امر خلقت حرام اعلام کرده اند. افرادی چون شیخ مرسل نصر (نصر، ۱۹۹۱، ۲۰۲) و نصر فرید و اصل مفتی مصر (فرید، ۱۹۹۹، ۱۲۴) بر این رأی هستند.

مستند اینان آیاتی است که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَن يَشْرِكُ بِهِ وَيَغْفِرُ مَادُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَ مَن يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا. إِنَّ يَدْعُونَ آلَا شَيْطَانًا مَّرِيدًا. لَعْنَةُ اللَّهِ وَ قَالَ لَا تَخْذَن مِّنْ عِبَادِكُمْ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا وَ لَا ضَلْنَهُمْ وَ لَا مَنِينَهُنَّ وَ لَا مَرْنَهُمْ فَلْيَسْتَكِنِ أَذَانَ الْإِنْعَامِ وَ لَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرْنَ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ قَدْ خَسِرَ خَسْرَانًا مَّيْنًا». (نساء، ۱۱۶-۱۱۹)

آیات دلالت دارند بر اینکه، مخالفت و ستیز با پیامبر و خروج از طاعت او، شرک به خداست و خدا شرک را نمی آمرزد و هر کس برای خدا شریک قائل شود در گمراهی عمیقی است. مشرکین بجز خدا، معبودهایی را می خوانند که بی اثر هستند. هر کس دیگری را بخواند در حقیقت شیطان را پرستیده است. شیطان کسی است که خدا او را از رحمت خویش دور ساخته و او هم گفته که سهمی از بندگان خدا می گیرد. شیطان می گوید؛ آنها را به وسیله عبادت غیر خدا و ارتکاب معاصی

گمراه می‌سازم و سپس دستور می‌دهم به آرزوها و خیالات مشغول شوند و امر می‌کنم تا گوش چهار پایان را سوراخ کنند و به این ترتیب حلال خدا را بر خود حرام سازند و به آنها دستور می‌دهم تا آفرینش خدا را تغییر دهند. آنهایی که شیطان را اطاعت می‌کنند، در واقع او را به عنوان ولی خود برگزیده‌اند و هر کس جز خدا سرپرستی انتخاب کند، متحمل زیان آشکاری می‌شود.

### نقد و بررسی

مفتیان اهل سنت تصور کرده‌اند که شبیه سازی هم نمونه‌ای از دخالت در امر خلقت و مصداق «فیلغیرن خلق اللّه» است. پیش فرض آنان این بوده که تولد طبیعی تنها شیوه مشروع خلقت انسان است. خلقت فقط کار خداست و با شبیه‌سازی، انسان در کار خلقت دست می‌برد. از نظر آنان انسان مالک جسد خویش نیست، پس حق ندارد هم در آن و هم در جسد دیگران دخل و تصرف کند. سعید حوی و رشید رضا ذیل «فیلغیرن خلق اللّه» چنین استدلال کرده‌اند. (حوی، ۲۰۱۹۸۹، ۱۱۸۷) (رشید رضا، ۵، ۱۹۷۴، ۴۲۸).

در پاسخ باید بگوئیم که این نظر دو اشکال دارد: ۱- عبارت «فیلغیرن خلق اللّه» لزوماً به معنای هر گونه دست بردن در خلقت، به واسطه دخل و تصرف در جسم و جسد نیست. در مقابل رشیدرضا که حتی تغییرات صوری مثل آرایش غلیظ خانم‌ها را طبق یک احتمال تغییر در خلقت می‌داند، بسیاری از مفسران و عالمان شیعه و سنی به فرار زیر، همگی تغییر خلق‌الله را به تغییر در دین الهی و تغییر در فطرت تفسیر کرده‌اند. (ابوالفتوح رازی، بی‌تا، ۱۲۲) و (تعلیبی، ۳، ۲۰۰۲، ۳۸۸)، (طوسی، ۳، ۱۴۰۹، ۲۳۴)، (قمی، ۱، ۱۴۰۲، ۱۵۳)، (ابن کثیر، ۲، ۱۹۶۵، ۵۵۶)، (خطیب، ۳، ۲۰۰۳، ۹۰۶)، (زمخشری، ۱، ۲۷۶)، (طبرسی، ۳، ۱۳۶۱، ۱۱۳)، (سید قطب، ۱۹۸۲، ۲، ۷۶۰)، (مولی فتح‌الله کاشانی، بی‌تا، ۳، ۱۱۵)، (محمد محسن فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ۱، ۲۴). علی بن ابراهیم قمی نیز «خلق الله» را معادل امرالله گرفته است (قمی، ۱۴۰۲، ۱، ۱۵۵).

پس عبارت «فیلغیرن خلق اللّه»، تغییر در خلقت را منحصر در تغییر جسمی نمی‌داند، که اگر اینطور می‌بود عمل‌های جراحی و بسیاری امور دیگر بایستی حرام اعلام می‌شد. علامه طباطبایی می‌گوید؛ سوراخ کردن گوش چارپایان عملی بود که در جاهلیت رواج داشت و با



این کار استفاده از حیوان را بر خود حرام می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ۵، ۸۶). پس چون مسئله را تعمیم دادند و هر گونه استفاده‌ای از حیوان را بر خود حرام کردند، کار غلطی بوده است و نه چون تصرف در جسد است پس حتماً امری خطاست، البته دکتر گرجی در فرضی که بر اثر عمل‌های جراحی متعدد و پیوندهای مختلف، تصرف در جسد به حدی برسد که اعضای بدن حیوانات را به بدن انسان بچسبانند تا انسان از حالت واقعی خود خارج شود، مصداق تغییر در خلقت و عملی حرام می‌دانسته‌اند. با این حال ایشان هم «فیلغیرن خلق اللّه» را به معنای هرگونه دخل و تصرف در جسم و نهایتاً حرمت شبیه‌سازی انسانی حساب نکرده است (سالاری، ۱۳۸۱، ۶۷).

دلیل اینکه مفسران شیعی، مراد از «خلق اللّه» را در آیه ۱۱۹ سوره نساء به دین الهی و فطرت خداوندی تفسیر کرده‌اند یکی آیه «فطرت الله التي فطر الناس عليها، لا تبديل لخلق الله» است و دیگری روایت امام باقر (ع) است که طی آن فرموده؛ مراد از «خلق اللّه» دین الله است (بحرانی، بی تا، ۱، ۴۱۶).

علامه طباطبایی می‌گوید؛ طبق مفاد آیه «او بهترین پروردگار است» و آیه «انی اخلق لكم من الطین کهیئه الطیر» که به عیسی (ع) نسبت داده شده، در قرآن خلقت به غیر خدا هم نسبت داده شده، آفرینش از عدم به وجود آوردن نیست بنابراین فرمود؛ «فتبارک الله احسن الخالقین» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ۵، ۸۷).

برخی دیگر از اهل سنت بر همین باورند به عنوان مثال ادیب حیدر می‌گوید: تصرفی که در خلق به واسطه شبیه‌سازی صورت می‌گیرد، خلق ابداعی و تأسیسی نیست و خداوند خلقت را منحصر در روش تناسلی نکرده، مثل خلقت از خاک و از نفس واحده به ذکر و انثی، خلقت به امر «فاذا هی حیه تسعی» (طه، ۳۱۳). و خلقت به اعاده در «خذاربعه من الطیر» (بقره، ۲۶۰). همواره استناد آیه (علق، ۵) که می‌گوید «عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَالَمْ یَعْلَم» با استنساخ، انسان توسط علم، به مرحله مالم یعلم دست یازیده است (همان، ۲۲۹).

سخن بهتر آن است که گفته شود؛ زمانی تنها راه فراهم ساختن مقتضی برای تولد خلقت انسان، اسپرم و تخمک بود. حال مقتضی به نحو دیگری فراهم شده است، پس باز هم خالق، خداوند است. خلقت انسان گاهی از طریق تقارب صورت می‌پذیرد، گاهی از مخلوق خداوند و در



آزمایشگاه، اسپرم و تخمک گرفته می شود، گاهی هم از ژن و تخمک تخلیه شده استفاده می گردد. این کارها دخالت در کار خدا نیست، بلکه فراهم آوردن مقتضی آنهم به شیوه‌های مختلف است. در هر حال روح را خداوند ایجاد می کند که همان مراد از «نشاناه خلقا آخر» است (بجنوردی، ۱۳۸۱، ۲۷۸- فضل الله، ۱۹۹۹، ۲۸۹). مروان قبانی از اهل سنت می گوید: «استنساخ کشف اسرار حیات و تحدی بر قدرت خداست، چون علم از عدم خلق نمی کند و تولید انسان از کاشت سلول جسمی در تخمک مادر، عملی است که به قدرت خدا صورت می گیرد» (قبانی، ۱۴۲۱، ۱۱۷).

عالمان سنی ذیل مسئله تغییر خلقت استدلال کرده اند، اساساً انسان حق هیچگونه دخل و تصرف در جسم خود را ندارد چون مالک جسم خود نیست - نظیر سخن رشیدرضا - (سقاف، بی تا، ۲۳). در حالیکه اگر هم بپذیریم انسان حق همه گونه تصرفی نداشته باشد، لازم نمی آید تا حق هیچگونه تصرفی در جسم خود نداشته باشد. امام خمینی قائل به فروش اعضاء انسان هستند (امام خمینی، بی تا، ۵۹۵). فقها قاعده‌ای دارند که می گوید: «لا بیع الا فی ملک»، پس انسان حتما مالک جسم خود هست که می تواند اعضاء خود مثل کلیه را بفروشد. (پورجوهری، ۱۳۸۳، ۱۹).

از سوی دیگر در آیات مربوط به عدم تغییر خلقت عبارت «ان یدعون الا شیطاناً مریداً» آمده است که در نتیجه، برخی از اهل سنت، فناوری علمی شبیه سازی را شیطانی خوانده اند (مجمع فقه اسلامی، ۳۱۵). در پاسخ می گوئیم؛ توانایی شیطان در وسوسه است نه در امور علمی. اگر بخواهیم شیطان را در شبیه سازی شریک کنیم، وظیفه خلیفه الهی انسان را در زمین خدشه دار کرده ایم. ما امروزه حتی آموخته ایم ضعف خود را در تربیت فرزندانمان به شیطان نسبت دهیم (شحاده، بی تا، ۱۶۴).

## ۶-۲- شبیه سازی ناقض کرامت انسان

برخی از اهل سنت طبق آیه «لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء، ۷۰) عملیات شبیه سازی انسان را به جهت مخالفت با شیوه طبیعی زاد و ولد، دستکاری در ژن ها و انجام اعمال آزمایشگاهی بر روی



انسان، ناقض کرامت ذاتی انسان دانسته و آن را حرام اعلام کرده‌اند (قرضاوی، بی‌تا، ۴۳ - ریاض احمد، ۱۳۵).

در پاسخ می‌گوئیم نصوصی که در مورد ولادت طبیعی مادر و با تحمل درد وارد شده ناظر بر شیوه غالب و متعارف تولد است. بی‌شک اگر آیات می‌خواستند در مورد شیوه‌های دیگر از موضوعاتی که هنوز بشر هیچ راه معرفتی به آنها نداشت، مثل شبیه‌سازی و خلقت توسط سلول جسمی سخن بگویند، امری غیر قابل باور بود. با این وجود نمونه‌هایی از خرق عادت در قرآن اشاره شده مثل تولد عیسی (ع) و حتی حضرت آدم (ع).

در مورد اشکال دیگر اهل سنت یعنی انجام عملیات آزمایشگاهی بر روی انسان و اینکه مقام او را تا حد حیوان تنزل می‌دهد، باید بگوییم هم در شبیه‌سازی، هم در لقاح مصنوعی، و در اعمال جراحی، بر روی انسان عملیاتی انجام می‌شود که می‌توان با نگاه بدبینانه همگی را مخالف شأن و کرامت انسانی دانست، اما واقعیت این است که طبق نصوص قرآنی، انسان بما هو انسان موضوع آیات است و انجام عمل آزمایشگاهی فی حد نفسه مشکلی در شخصیت، شأن و کرامت او ایجاد نخواهد کرد، زیرا بی‌تردید محصول شبیه‌سازی یک «انسان» است و به نظر می‌رسد تمسک به این دلیل در حرمت شبیه‌سازی بلاوجه است. «انسان با وصف خلیفه الهی می‌تواند با احیای حقوق خویش زمین را عمارت کند» (جوادی آملی، ۲۸۵). انسان شبیه ساخته، خود نیز از این توانایی بهره‌مند است. هم اکنون هم، لقاح بیرون رحمی از سوی عالمان سنی جواز شرعی دارد که شیوه‌ای غیر طبیعی است.

دستکاری ژن‌ها هم نقض کرامت بشر نیست چه؛ اولاً نباید تصور کرد انسان معادل مجموعه ژن‌هاست، پس هر نوع دستکاری در ژن‌ها، نقض کرامت بشری است. زیرا انسان اعم از ژن و روح است که در طول مراحل زندگی و تحت تاثیر محیط و شرایط مختلف، تکامل و تعالی می‌یابد. ثانیاً خود اهل سنت در مورد دستکاری ژن‌ها در شبیه‌سازی درمانی به اتفاق رأی به جواز داده‌اند، پس اگر دستکاری ژنتیکی اشکال دارد، در آنجا هم باید اشکال داشته باشد. حال اگر برخی بخواهند طبق آیه «انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون» (یس، ۳۶) بگویند که خدا هر چه را که بخواهد انجام می‌دهد و منظورشان امری خارج از نظام اسباب و مسببات باشد طوری که





هیچ حیثیت تعلیلی برای فرامین و احکام خدا تصور نشود، این همان دیدگاه اشعری است که در جای خود مردود می‌باشد.

### ۶-۳- حرمت شبیه‌سازی به علت فساد در زمین

برخی از علماء اهل سنت شبیه سازی انسان را سبب فساد در زمین و حکم آن را محاربه با خدا دانسته‌اند. اینان در مورد فساد می‌گویند؛ نفس به هم زدن خلقت و روش طبیعی آن، خروج از احسن تقویم و نوعی فساد است (العاملی، ۱۹۹۹، ۹۷). گاهی در توجیه فساد، شبیه سازی را در حکم زنا و گاهی هم در حکم مساحقه دانسته‌اند، از این دسته می‌توان به محمد رافت عثمان اشاره کرد. او می‌گوید؛ شبیه سازی در حکم زناست، زیرا در حقیقت جزء کوچکی (سلول) از اندام تناسلی مرد در درون تخمک زن نامحرم قرار گرفته است (همان، ۹۵).

شیخ محمد جمیل حمود العالمی می‌گوید: لواط، سحاق و زنا سبب اخلال نظام در شرایع قبلی شد، همانطور هم شبیه سازی سبب اخلال نظام در وضعیت فعلی خواهد شد، به جهت فسادی که بر می‌انگیزد. اینان به عموم آیه «ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (اعراف، ۵۶) استناد می‌کنند.

در پاسخ به به این مطالب می‌گوییم؛ در مبحث قبل بیان شد که نفس بر هم زدن روش طبیعی در تولد انسان، اشکال ندارد و دلیلی بر حرمت آن نیست و آنان که می‌گویند مستلزم فساد است، باید آن را اثبات کنند.

اما اینکه شبیه‌سازی را مانند زنا و یا مساحقه دانسته‌اند آنهم تا حدی که سبب اختلال نظام شود، باید بگوییم این عناوین تعاریف خاص فقهی دارند و این در حالی است که اصلاً بر شبیه‌سازی انسانی چنین عناوینی صادق نیست. زنا ادخال آلت تناسلی مرد با شریطی که در فقه گفته شده، می‌باشد، اما در شبیه‌سازی تنها از سلول جسمی (غیرجنسی) استفاده می‌شود که ربطی به زنا ندارد. اگر بنا باشد شبیه‌سازی به واسطه در حکم زنا بودن حرام شود، باید در تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه هم حکم به زنا شود، در حالی که علما در این مورد حکم زنا جاری نکرده و دلیلی بر حرمت ارائه نکرده‌اند. آیت الله موسوی اردبیلی می‌گوید؛ در استفاده از اسپرم مرد اجنبی و بارور نمودن آن با تخمک همسر، دلیلی که دلالت کند این کار حرام است به نظر نمی‌رسد (فتاحی

معصوم، ۱۳۸۰، ۸۵۲). پس به طریق اولی چون در شبیه‌سازی اسپرم مرد اجنبی وجود ندارد، حکم به زنا باطل است.

زنا در روایت عبارتست از جماع مرد اجنبی با زن اجنبیه، هم در تلقیح مصنوعی و هم در شبیه‌سازی زنا منتفی است و وقتی زنا و هیچ یک از عناوین محرم شرعی بر آن صادق نیست، به مقتضای قاعده، حکم به حلیت آن می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۱، ۳۷۸).

### مستند قائلین به فساد

الف) آنان که شبیه‌سازی انسان را عامل فساد دانسته و در جایی که سلول جسمی از مرد غیرشوهر است، آن را در حکم زنا دانسته‌اند به آیات (نور، ۳۱) و (معارج، ۲۹) اشاره دارند که عبارت‌های «یحفظن فروجهن» و «لفروجهم حافظون» را مطرح کرده‌اند، در حالیکه مقصود از حفظ فرج، حفظ از نگاه اجنبی و بالاتر عمل شنیع زنا است، لکن تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی مستلزم اینگونه محرمات نیستند. روایت ابی‌بصیر از امام صادق (ع) می‌گوید: «کل آیه فی القرآن فی ذکر الفروج فهی من الزنا الا هذه الآیه - نور، ۳۱ - فانها من النظر...» (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۵).

به هر حال اهل سنت که شبیه‌سازی را در حکم زنا، لواط و مساحقه دانسته، مرتکب قیاس که امری خالی از اعتبار است گردیده‌اند. اینان شبیه‌سازی انسانی را در جایی که مرد صاحب سلول به فرزندی از غیر طریق همسرش دست یافته، در حکم آن دانسته‌اند که مرد اسپرم خود را به زنا در رحم زن اجنبیه بریزد که البته بطلان چنین قیاسی پر واضح است (مومن، ۱۳۸۴، ۷۵). حتی مجمع فقه اسلامی از خود اهل سنت بر آن است که شبیه‌سازی زنا نیست (قرار مجمع الفقه الاسلامی بشأن الاستنساخ البشري، ۳۱۶) و این یعنی برخی از اهل سنت در حکم زنا و لواط و سحاق افراط نموده‌اند. در مورد مساحقه و لواط هم بر همین منوال.

### ۶-۴- حرمت شبیه‌سازی به علت تعطیل کردن مقاصد اصلی شارع

برخی از اهل سنت می‌گویند، شبیه‌سازی در فرضی که تخمک تخلیه شده و سلول جسمی، هر دو از یک زن باشد و در رحم خودش قرار گیرد، شبیه ساخته از وجود پدر بی‌نیاز است و به تبع

آن مسئله نسب خدشه‌دار می‌شود و البته حفظ نسب از مقاصد اصلی شارع است آنگونه که شاطبی بر آن تأکید کرده است (الموافقات، ۱، ۳۹۷). مجمع فقه اسلامی هم در جده عربستان اعلام کرد، هرگونه تزییع موارد پنجگانه ۱- حفظ دین ۲- حفظ نفس ۳- حفظ عقل ۴- حفظ نسب یا نسل ۵- حفظ مال، حرام است (قرار مجمع الفقه الاسلامی بشأن الاستنساخ البشری، ۳۱۶).

دکتر سعد ظلام شبیه‌سازی را، چون منجر به اختلاط نسب‌ها و ضایع شدن حقوق مردم دانسته، حرام اعلام کرده است (علی طه، ۱۴۲۱، ۱۰۴). قرضایی نیز بر آن است که شبیه‌سازی سبب می‌شود رحم برخی از زنان کارخانه تولید مثل گردد و عده‌ای دیگر که خود را مادر هم می‌دانند هیچگونه زحمتی برای زایمان متحمل نشوند.

در پاسخ گفته می‌شود: به فرض در حالت مذکور که منجر به نبود پدر می‌شود، یکی از مقاصد شریعت تأمین نشود، خوب این حالت از حرمت، مختص همان مورد خواهد بود و نه تمام اقسام شبیه‌سازی، چه، اولاً- شبیه ساخته در عرفی ترین حالات آن، جایی که سلول جسمی از پدر و تخمک تخلیه شده از مادر است، هم پدر دارد و هم مادر. ثانیاً- شبیه‌سازی در جایی که زوجین از طریق بارداری همسر، به علت بیماری یا مشکل ژنتیکی و یا مسائل پزشکی توان فرزنددار شدن ندارند، کمک می‌کند تا نسل آنان حفظ شود و صاحب فرزند گردند. ثالثاً- مقصود از ضایع نشدن نسل، جلوگیری از اختلاط انساب است. احادیث هم فقط در یک مورد نسب را قطع کرده‌اند و آن مورد، زناست، و زنا هم مورد خاص خودش را دارد. در شرع حقیقت شرعیه‌ای برای نسب نداریم و شرع از عرف پیروی می‌نماید (شهیدی، ۱۳۸۳، ۱۹۵). این درست که اصولاً در فقه و نظام اسلامی بچه برای صاحبان نطفه است، اما علوم ژنتیک و زیست‌شناسی نشان می‌دهند بچه‌ای که در رحم مادر رشد و تغذیه می‌کند، مسلماً مقداری از ژنتیک صاحب رحم را به ارث می‌برد اگرچه مادر شرعی او نباشد (همان). برای حفظ نسبت‌های خانوادگی از نظر شرعی، نه امتزاج میان زوجین لازم است و نه تطابق ژنتیکی، بلکه نسبت خانوادگی یک امر عرفی است. فهم عرفی، زن حامل را «مادر» می‌داند. احراز ابوت هم دلیل نمی‌خواهد، کافی است کسی فرزند را از آن خود بداند و دلیل خلاف در بین نباشد. وقتی ولادت، طبق «ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم»، ملاک مادری است، چه با اسپرم و اول باشد چه با سلول جنسی.



ریاض احمد عوده الله، حالت دیگری را مطرح کرده می‌گوید: در شبیه‌سازی، دختر عین مادرش است در نتیجه مقصد حفظ نسب و عرض را از بین می‌برد و منجر به هرج و مرج در فامیلی می‌شود. آیا در فرضی که سلول جسمی از شوهر گرفته می‌شود و بدون امتزاج با تخمک همسر، شبیه و بلکه عین او ایجاد می‌شود، این شبیه ساخته برادر شوهر است؟ یا فرزند او؟ (عوده الله، بی‌تا، ۱۳۰).

این سخن هم قابل نقد است. واقعیت این است که شبیه ساخته با صاحب سلول جسمی بسیار شباهت دارد اما نه بیشتر از دو قلوهای همسان، پس اگر سخن ریاض احمد صحیح باشد، باید این مشکل را در مورد دوقلوهای همسان هم جاری بدانیم. در ضمن فراموش کرده‌اند که شبیه ساخته با والد خود از نظر سنی متفاوت است، زیرا باید در رحم مدت حمل را تحمل کند و به دنیا بیاید، آن هم به شکل نوزاد و دهنده سلول هم قطعاً سن و سالی دارد، پس مشابهت در حدی از وضعیت ظاهری نخواهد بود که فامیلی را به هم بریزد. در مورد حالت دوم هم، شبیه ساخته را همه، فرزند دهنده سلول محسوب کرده‌اند و نه برادر؛ چون توسط سلول جسمی دهنده، و در رحم زن میزبان زیگوت تشکیل می‌شود، منتهی از طریق غیر جنسی و این همان مفهوم فرزند است. «عرف صاحب سلول غیر جنسی را اگر مرد باشد، پدر می‌داند؛ چون آیه نفی از استیلاذ از این نحو ندارد» (محسنی، ۴۰۹).

می‌توان ادعا کرد برخی علماء اهل سنت گاهی اوقات بر مواضع خود با چنان پیش فرض‌های فربهی اصرار دارند که به استناد ظاهر آیه «یجعل من یشاء عقیماً» (شوری، ۵۰) می‌گویند: مسئله حفظ نسل فقط در محدوده توالد جنسی و طبیعی که همان سنت الهی است، قابل تصور است، پس کسی را که خداوند عقیم قرار داده، حق ندارند با دخالت در امور ژنتیکی، رفع عقم نمایند. در تفسیر آیه «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره، ۳۰) گفته‌اند و خلافة‌الله محقق نمی‌شود مگر از خلال تنظیم الهی دقیق و نه با اسلوب استنساخ که امری است منهی (فرید واصل، ۱۲۵، ۱۹۹۹- قرار مجمع الفقه الاسلامی، ۳۱۶).



در اینکه گفته شده است انسان باید به عقیم بودن خود راضی باشد و به معالجه توسط روش شبیه‌سازی نپردازد، چه حفظ نسل شامل اینجا نیست، سختی کاملاً خطاست و مثل این است که به مریض بگوئیم خودت را معالج نکن، زیرا مشیت الهی این بوده که تو مریض به دنیا بیایی.

حسام‌الدین شحاده از اهل سنت می‌گوید؛ بیماری به من مراجعه کرد که حدود ۲۰ سال برای رسیدن به فرزند تلاش کرده و به پزشکان مختلف و حتی ساحران، شعبده‌بازان و رمالان رجوع نموده بود و پول فراوان خرج کرد، بالاخره هم موفق نشد. حتی با بیش از یک زن ازدواج نمود، اما صاحب فرزند نگردید. هم مال فراوان و هم عمر را از دست داد و هم اندوه فراوان بر او عارض شد. حال سؤال این است که چه مانعی دارد تا با شبیه‌ساختن، طفلی حتی مشابه خود داشته باشد. اما اینکه طبق «يجعل من یشاء عقیماً» نتیجه گرفتند کسی که عقیم است نباید علاج نماید، مخالف سخن رسول الله است که فرمود «تداووا یا عبادالله فان الله لم یضع داء الاوضع شفاء» (شحاده، بی تا، ۱۶۰).

#### ۶-۵- حرمت شبیه‌سازی به علت ابهام در نفقه و ارث

برخی عالمان اهل سنت می‌گویند؛ با شبیه‌سازی انسان که منجر به «ابهام در روابط خانوادگی، گم شدن پدر یا مادر، ایجاد چند مادر، برادر شدن شبیه ساخته و دهنده سلول جسمی و ...» می‌شود، معلوم نخواهد شد که چه کسی از چه کسی ارث می‌برد؟ یا دختری که از سلول جسمی مادر خود ایجاد می‌شود و از ترکیب اسپرم شوهر مادرش با تخمک مادر، ایجاد نشده، آیا از آن مرد ارث می‌برد؟ (قرضاوی، الاستنساخ بین العلم و الدین).

در پاسخ می‌گوییم: اولاً؛ در فرض ایده آل که سلول جسمی از شوهر است و تخمک تخلیه شده از همسر وی که در رحم خود او هم قرار می‌گیرد، قضیه مشخص است و اشکال فوق ایجاد نمی‌شود. ثانیاً؛ در فقه و در بسیاری موارد با اتکاء به قاعده فراش می‌توان مشکلات را حل کرد. اسلام در موارد شبهه، با استناد به قاعده فراش به حفظ نظام خانواده پرداخته است و با حفظ نسب، خودبخود مسئله ارث و نفقه هم حل می‌شود. ثالثاً؛ بر فرض اینکه سلول جسمی از مردی غیر از شوهر باشد این حالت تقریباً شبیه حالتی از لقاح مصنوعی است که از اسپرم مرد اجنبی استفاده می‌شود و در آن فرزند ملحق به مرد صاحب اسپرم است (خامنه‌ای، سایت دانشگاه امام صادق). در

اینجا هم فرزند ملحق به دهنده سلول سوماتیک جسمی است و البته الحاق شبیه ساخته به دهنده سلول واضح است، چون تمام ژنتیک او از دهنده سلول است.

## ۶-۶- حرمت شبیه‌سازی به علت دفع ضرر و خطر احتمالی

برخی از علماء اهل سنت شبیه‌سازی انسان را به شدت ضرری می‌دانند. آنان می‌گویند به هر حال فعلاً حیوانات شبیه‌سازی شده دچار پیری زودرس و نالایمی بدنی هستند. اگر انسان شبیه‌سازی شود این خطرات و مضرات او را تهدید می‌کند (جوزو، بی‌تا، ۱۰۲) (خلیل رزق، ۴۲۳). مجمع فقه اسلامی در جده هم اعلام کرده است؛ علم لزوماً باید نافع به حال انسان بوده و در جهت جلب مصالح عباد باشد نه در جهت مضرات (مجمع فقه اسلامی، ۳۱۵).

در پاسخ می‌گوییم؛ عالمان سنی بر اساس قاعده سدّ ذرایع که در اصول فقه ما حجت نیست چنین حکم کرده‌اند؛ چه دفع مضرات و خطرات احتمالی سبب تحریم نیست. سدّ ذرایع در فقه مالکی رواج زیادی دارد و بر این دیدگاه مبتنی است که همه احکام شریعت برای جلب مصلحت و دفع مفسده وضع شده است، لذا اگر همین احکام وسیله‌ای برای نقض مقاصد شریعت باشد، شارع تن به تعطیلی مقاصد خود نمی‌دهد (ریسونی، ۱۳۷۶، ۱۱۵)، مانند جلوگیری از دشنام به بتها در حضور کسی که بت پرست می‌باشد، بنابراین دشنام به بتها سبب توهین او به خداوند می‌شود، یا جلوگیری از کندن چاه - که فی حد ذاته اشکال ندارد - چنانچه در راه مسلمین کنده شود (البوطی، ۱۳۸۳، ۱۷۳).

هر عملی که مقدمه حرام قرار بگیرد، در این دیدگاه باید از آن جلوگیری کرد مثل تحریم فروش انگور به کسی که قصد ساختن شراب دارد، اما چون تشخیص ما همیشه کامل و صحیح نیست، پس نمی‌توان به این دلایل، چنین پروژهای را حرام دانست مثلاً در خیلی موارد به دلایل تحریمی وهمی و یا سخنان و نتایج غیر علمی استناد شده است. از اهل سنت ابوحنیفه و شافعی نیز امر حلال را به دلیل آنکه می‌تواند به حرامی منجر شود حرام نمی‌دانند (شوکانی، ۱۹۹۸، ۷).

پرواضح است که اگر بنا بر رعایت سدّ ذرایع باشد، نباید به بسیاری از امور دست زد؛ زیرا در هر امری احتمال خطر و ضرر وجود دارد بخصوص در مسائل علمی، تجاری و ... به هر حال اصولیان شیعه سدّ ذرایع را حجت ندانسته‌اند.

## نتیجه گیری

همانطوری که در مقاله نشان داده شد، عمده استدلال مقتیان سنی در تحریم پروژه شبیه‌سازی انسانی، تمسک به ظهور آیات مرتبط بود که با توجه به تفاسیر شیعی و برخی از تفاسیر اهل سنت، شبیه‌سازی، دخالت در امر الهی تلقی نمی‌شود و به تبع آن عمل شیطانی و از این قبیل هم نمی‌باشد.

تصور ضروری بودن این فناوری، فقط در حد احتمال است که در جای خود پاسخ دادیم؛ دفع احتمال این گونه ضررها منطبق با قاعده سدّ ذرایع است که در اصول فقه حجت نیست. در باب فساد اعم از زنا و مساحقه، علمای سنی دچار قیاسات ناروا گردیده‌اند. تمسک به اشکالاتی چون اختلاط انساب و گم شدن پدر، مادر و هر دو، یا وارد نیست و یا در حدی نیست که توان تحریم اصل فناوری داشته باشد.

در نهایت، به علت عدم وجود دلیل معتبری بر تحریم شبیه‌سازی انسانی، اصل بر جواز است، چون مقتضای قاعده اولیه در نبود دلیل بر حرمت، «اصاله الاباحه» است. حدیث «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه» (حر عاملی، ۱۹۹۹، ۱۸، ۱۲۱) مبین همین امر است.

## پیشنهاد

نظیر اغلب مواردی که مقتیان و عالمان در طول تاریخ فقه و در مواجهه با مسائل نوظهور علمی به تحریم ابتدایی آنها پرداخته‌اند، شبیه‌سازی انسان هم دچار همین مسئله گردیده است. به نظر نگارنده بهتر است فتاوا با بررسی‌های محققانه‌تر صادر شود.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن عثیمین، (۱۴۱۷)، هفته‌نامه المسلمون، شماره ۶۳۳ مصر، ۵ ذی القعدة.

۲. ابن کثیر، (۱۹۶۵)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه.



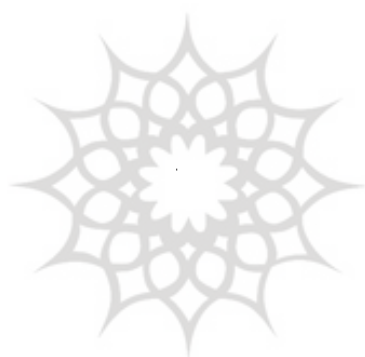
۳. اسلامی، سید حسن، (۱۳۸۴)، «شبییه سازی انسان از دیدگاه فقهای شیعه»، مجله فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۴، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴. بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات فقهی حقوقی اجتماعی، پژوهشکده امام خمینی.
۵. بحرانی، هاشم، (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
۶. البوطی، محمد سعید رمضان، (۱۳۸۳)، مبانی و ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام، مترجم دکتر اصغر افتخاری، تهران، گام نو.
۷. پورجوهری، علی، (۱۳۸۳)، پیوند اعضا در آینه فقه همراه با مرگ مغزی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۸. ثعلبی، (۲۰۰۲)، الکشف و البیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۹. الجندی، احمد رجبی، (۱۹۹۹)، الاستنساخ البشري بين الاقدام و الاحجام، دارالفکر، بیروت.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، سلسله بحث‌های فلسفه دین، قم، اسراء.
۱۱. جوزو، محمد علی، (بی تا)، «الاستنساخ بین العلم و الفلسفه و الدین»، مرکز العلم و السلام، دمشق.
۱۲. حسینی پژوه، خسرو، (۱۳۸۴)، «شبییه سازی و فناوری سلول های بنیادی» تهران، نوربخش.
۱۳. حوی، سعید، (۱۹۸۹)، الاساس فی التفسیر، دارالسلام.
۱۴. الخادمی، نورالدین مختار، (بی تا)، استنساخ البشري، بدعه العصر، بیروت، دار وحی القلم.
۱۵. خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. الخطیب، عبدالکریم، (۲۰۰۳)، التفسیر القرآن بالقرآن، دارالفکر العربی.
۱۷. دکاش، بیار، (۱۹۹۹)، الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه، دارالفکر، بیروت.
۱۸. رازی، ابوالفتح، (بی تا)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اسماعیلیان.
۱۹. رشید رضا، محمد، (۱۹۷۴)، تفسیر القرآن - المنار - دارالمعرفه، بیروت.
۲۰. ریسونی، احمد، (۱۳۷۶)، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه سید حسن اسلامی و سید علی ابهری، قم.
۲۱. سالاری، حسن، (۱۳۸۱)، شبییه سازی انسان، تهران، حکیمان.
۲۲. سقاف، حسن، الانتفاع و الاستقصاء لادله تحريم نقل اعضاء، عمان، جمعیه عمال المجامع التعاونیه.
۲۳. سید قطب، (۱۹۸۲)، فی ضلال القرآن، بیروت، دارالثروه.
۲۴. شاطبی، ابوالاسحاق، (۱۹۹۷)، الموافقات فی اصول الشریعه، مکتبه التجاریه الکبری، مصر.
۲۵. شحاده، حسام الدین، (بی تا)، الاستنساخ بین العلم و الفلسفه و الدین، مرکز العلم و السلام، دمشق.





۲۶. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۳)، **مجموعه مقالات حقوقی**، تهران، مجد.
۲۷. شوکانی، حافظ محمدعلی بن محمد، (۱۹۹۸)، **ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول**، قاهره، دارالسلام.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۱)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. طبرسی، ابوعلی، (بی‌تا)، **مجمع البیان**، قم، منشورات آیت الله العظمی مرعشی.
۳۰. طوسی، ابی جعفر، (۱۴۰۹)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۱. طه، علی، (۱۴۲۱)، **الاستنساخ الجینی بین العلم و الدین**، درالندی، بیروت.
۳۲. عاملی، محمدجمیل حمود، (۱۹۹۹)، **الاستنساخ بوق الابلیس**، دارالفکر، بیروت.
۳۳. عوده الله، ریاض احمد، (بی‌تا)، **الاستنساخ فی میزان الاسلام**، اردن، داراسامه.
۳۴. فتاحی معصوم، حسین، (۱۳۸۰)، **مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی**، دانشگاه فردوسی.
۳۵. فرید واصل، نصر، (۱۹۹۹)، **استنساخ البشر من عمل الشیطان**، دارالفکر.
۳۶. -----، (۱۹۸۹)، **الاستنساخ و تغیر خلق الله**، دارالفکر، بیروت.
۳۷. فضل الله، سید محمدحسین، (۱۹۹۹)، **عندمانکتشف اسرار ال کون نکتشف سر عظمه الله**، دارالفکر.
۳۸. فیض کاشانی، مولا محمد محسن، (۱۳۷۶)، **الاصفی فی تفسیر القرآن**، مرکزالنشر لمکتب الاعلام الاسلامی.
۳۹. قِبَانِی، (۱۴۲۱)، **الاستنساخ الجینی بین العلم و الدین**، دارالندی، بیروت.
۴۰. قرار مجمع الفقه الاسلامی بشأن الاستنساخ البشری، (۱۹۹۹)، **الاستنساخ بین السلام و المسیحیه**، دارالفکر، بیروت.
۴۱. قرضواوی، یوسف، (بی‌تا)، **الاستنساخ بین العلم و الدین**، قابل دسترسی در پایگاه [islamonline.net](http://islamonline.net).
۴۲. القمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۲)، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتب للطباعه و النشر.
۴۳. کاشانی، مولا فتح الله، (بی‌تا)، **منهج الصادقین**، تهران، اسلامیه.
۴۴. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۸۸)، **اصول الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. مومن، محمد، (۱۳۸۴)، **تشیبه سازی**، مجله فقه، کاوشی نودرفقه اسلامی، شماره ۴۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۶. نصر، مرسل، (۱۹۹۱)، **الاستنساخ اعتداء علی الفطره الالهیه**، دارالفکر.
۴۷. مقاله تلقیح مصنوعی، سایت دانشگاه امام صادق (ع).





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی